

Comparison of the effectiveness of emotion-focused therapy based on attachment injuries and eclectic spirituality based schema therapy on hopelessness and mental health of women affected by husband's infidelity

Fariba Ghaseminejad Rinie¹, Mohsen Golparvar², Asghar Aghaei³

1-Ph.D Student, Department of Psychology, Isfahan (Khorasan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2- Associate Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding Author). E-mail: Drmgolparvar@gmail.com

3- Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Received: 12/02/2022

Accepted: 16/06/2022

Abstract

Introduction: Spousal breach of promise is a factor that undermines the hope and mental health of many women.

Aim: This study was conducted to compare the effectiveness of emotion-based therapy based on attachment injury and spirituality-based schema therapy on hopelessness and mental health of women affected by the spousal breach of promise.

Method: The present research was a quasi-experimental study with a pretest-posttest control group design. The statistical population included women affected by the spousal breach of promise in the city of Bandar Abbas in the spring of 2021, and the sample group consisted of 48 people of these women who were purposefully selected and then randomly assigned into two experimental groups and one control group (16 people in each group). The Beck Hopelessness Scale (BHS) and the General Health Questionnaire (GHQ) were used to collect data. The emotion-based therapy based on attachment injury and the spirituality-based schema therapy was performed in 10 sessions of 90 minutes each. Data were analyzed using the analysis of covariance (ANCOVA) and SPSS-26.

Results: The results showed that after controlling the pretest, the effectiveness of treatment in reducing hopelessness ($F=4.49$, $P=0.017$) and increasing mental health ($F=5.94$, $P=0.005$) was significant. The comparison of groups showed that emotion-based therapy based on attachment injury effectively reduced hopelessness ($P=0.014$) and spirituality-based schema therapy effectively increased mental health ($P=0.004$).

Conclusion: The effectiveness of emotion-based therapy based on therapeutic attachment injury in reducing hopelessness and the effectiveness of spirituality-based schema therapy on mental health was confirmed in the present study. It is suggested that these two therapies be used to help women affected by the spousal breach of promise.

Keywords: Hope, Mental health, Emotionally focused therapy, Schema therapy, Spiritual healing

How to cite this article: Ghaseminejad Rinie F, Golparvar M, Aghaei A. Comparison of the effectiveness of emotion-focused therapy based on attachment injuries and eclectic spirituality based schema therapy on hopelessness and mental health of women affected by husband's infidelity. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2022; 9 (3): 151-166. URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1429-en.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

مقایسه اثربخشی درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی و طرحواره درمانی معنویت محور تلفیقی بر نامیدی و سلامت روان زنان آسیب دیده از پیمانشکنی همسر

فریبا قاسمی نژاد رایینی^۱، محسن گلپور^۲، اصغر آقایی^۳

۱. دانشجوی دکترای تخصصی، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوارسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوارسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (مؤلف مسئول). ایمیل: Drmgolparvar@gmail.com

۳. استاد، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوارسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

چکیده

مقدمه: پیمانشکنی همسر عاملی جهت تضعیف امیدواری و سلامت روان بسیاری از زنان است.

هدف: این پژوهش با هدف مقایسه اثربخشی درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی و طرحواره درمانی معنویت محور بر نامیدی و سلامت روان زنان آسیب دیده از پیمانشکنی همسر انجام شد.

روش: مطالعه از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری زنان آسیب دیده از پیمانشکنی همسر در شهر بندرعباس در بهار ۱۴۰۰ و گروه نمونه ۴۸ نفر از این زنان بودند که به صورت هدفمند انتخاب و سپس به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و یک گروه کنترل (هر گروه ۱۶ نفر) گمارده شدند. از پرسشنامه نامیدی بک (BHS) و پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) برای جمع آوری داده ها استفاده شد. درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی و طرحواره درمانی معنویت محور هر یک طی ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه ای اجرا شد. داده ها با استفاده از تحلیل کوواریانس و نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که پس از کنترل پیش آزمون، اثربخشی درمان بر کاهش نامیدی ($P=0.017$, $F=4/49$) و افزایش سلامت روان ($P=0.005$, $F=5/94$) معنادار بود. مقایسه گروه ها نشان داد که درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی بر کاهش نامیدی ($P=0.014$) و طرحواره درمانی معنویت محور بر افزایش سلامت روان ($P=0.004$) اثربخش بود.

نتیجه گیری: اثربخشی درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی درمانی بر کاهش نامیدی و طرحواره درمانی معنویت محور بر افزایش سلامت روان در مطالعه حاضر تائید شد. پیشنهاد می شود این دو درمان برای یاری به زنان آسیب دیده از پیمانشکنی همسر استفاده شوند.

کلیدواژه ها: امید، سلامت روان، درمان هیجان مدار، طرحواره درمانی، شفای معنوی

مقدمه^۴

(اُدن و کام^۸، ۲۰۲۱؛ زو، یانگک، یائو و همکاران^۹، ۲۰۲۱). نامیدی به واسطه ریشه داشتن در باورها، انتظارات و تعابیر و استناد منفی و بدینانه، با طیف قابل توجهی از متغیرهای مخاطره‌آفرین برای سبک زندگی سالم نظری اضطراب^{۱۰}، افسردگی^{۱۱} و ایده‌پردازی خودکشی دارای رابطه است (ما، لای، یانگک و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۱). در کنار نامیدی، سلامت روان به عنوان سازه‌ای پیچیده و چند وجهی، به عنوان قابلیت ارتباط موزون و هماهنگک با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی، حل تضادها و تمایلات شخصی به طور منطقی و دارا بودن معنا و هدف در زندگی تعریف شده است. همچنین فردی از سلامت روان برخوردار است که از اضطراب و افسردگی و علائم ناتوانی به دور باشد و بتواند ارتباط سازنده با دیگران برقرار کند و قادر به مقابله با فشارهای زندگی باشد (اکبری، شخمگر، ثناگو و همکاران، ۱۴۰۰؛ بداسو، آدامز، پانگک و سیریت^{۱۳}، ۲۰۲۱؛ زو و همکاران، ۲۰۲۱). پیمان‌شکنی به عنوان عاملی استرس‌زا در روابط، مشکلات سلامت روان نظری افسردگی، اضطراب و اختلال استرس پس از سانحه^{۱۴} را برای فرد آسیب دیده از پیمان‌شکنی همسر به دنبال دارد. به همین دلیل نیز برای مقابله کارآمد و جلوگیری از افت جدی سلامت روان در زنان مواجه شده با پیمان‌شکنی همسر، استفاده از درمان‌های روانشناختی امری حیاتی است (شروت و ویگل^{۱۵}، ۲۰۱۸). دو درمان که به لحاظ ماهیت پیمان‌شکنی و پیامدهای آن برای زنان مواجه شده با پیمان‌شکنی همسر

تجربه پیمان‌شکنی^۱ رویدادی مخاطره‌آمیز و استرس‌آور است که در موارد زیادی افراد را در معرض آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی قرار می‌دهد (سانچز، ویزمن، هیوز و گوردون^۲؛ ۲۰۲۱؛ گورئو، کاسترو-لونا، زاپاتا بولودا و همکاران^۳، ۲۰۲۱). براساس برخی شواهد، ۳۰ تا ۶۰ درصد مردان و ۲۰ تا ۵۰ درصد زنان به دلایل مختلفی ممکن است حداقل یکبار در مسیر زندگی خود در گیر روابط فرا زناشویی شوند (لیزمن و هالمن^۴، ۲۰۲۱). در ایران آمار رسمی از شیوع و بروز پیمان‌شکنی در دسترس نیست. با این حال، مطالعات روزافرونی، این پدیده را یکی از زمینه‌های پژوهشی که نباید مورد غفلت قرار گیرد معرفی نموده‌اند (عطابور، احمدی، فلسفی نژاد و خدابخش کولاوی، ۱۳۹۹). پیمان‌شکنی همسر بر طیف بسیار گسترده‌ای از متغیرهای حوزه سلامت و سبک زندگی سالم تأثیرات ویرانگری به بار می‌آورد (صمدی کاشان، پورقناو و زمانی، ۱۳۹۸). از میان متغیرهای مورد اشاره، بروز نامیدی^۵ و افت سلامت روان^۶، دو پدیده بسیار مهم مرتبط با پیمان‌شکنی در زنان آسیب دیده از پیمان‌شکنی همسر به شمار می‌آید که نیازمند توجه جدی است (خرم‌آبادی، سپهری شاملو، صالحی فدردی و بیگدلی، ۲۰۱۹؛ فرشچیان یزدی، باقرزاده گلمکانی و منصوری، ۲۰۲۱).

نامیدی به مجموعه‌ای از باورها و طرحواره‌های شناختی^۷ که در آن انتظارات و پیش‌بینی‌های منفی و بدینانه در مورد خود و زندگی آینده برجسته است، گفته می‌شود

^۸- Oden & Kam

^۹- Zuo, Yang, Yao & et al

^{۱۰}- Anxiety

^{۱۱}- Depression

^{۱۲}- Ma, Lai, Yang & et al

^{۱۳}- Bedaso, Adams, Peng & Sibbritt

^{۱۴}- Post- traumatic stress disorder (PTST)

^{۱۵}- Shrout & Weigel

^۱- Infidelity

^۲- Sanchez, Whisman, Hughes & Gordon

^۳- Guerrero, Castro-Luna, Zapata Boluda & et al

^۴- Lisman & Holman

^۵- Hoplessness

^۶- Mental health

^۷- Cognitive schemas

و نظام پردازش شناختی متکی بر طرحواره‌های ناسازگار تلقی می‌کند (کمالیان، میرزا حسینی و منیرپور، ۲۰۲۱؛ هادی، اسکندری، سهرابی و همکاران، ۱۳۹۵). شواهد در دسترس نشان می‌دهد که در روابط زناشویی، طرحواره‌های ناسازگار می‌توانند بیش از پیش شرایط و سلامت زوج‌ها را دچار مشکل کنند. بر همین اساس نیز طرحواره درمانی در مواردی به تازگی برای یاری به مردان و زنان درگیر با پیمان‌شکنی و پیامدهای آن استفاده شده است (اکبری و همکاران، ۱۴۰۰). برای نمونه اکبری و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که طرحواره درمانی بر افزایش سلامت عمومی زوج‌های درگیر با روابط و مسائل فرا زناشویی و پیمان‌شکنی، و گوردون و همکاران (۱۴۰۴) نیز نشان دادند که بازسازی شناختی باورها، تعابیر و شناخت‌های معیوب و ناکارآمد بر افزایش سطح سلامت روان اثربخش است. در کنار طرحواره‌های ناسازگار و طرحواره درمانی، معنویت و بازسازی معنوی نیز در حوزه روابط فرا زناشویی و پیمان‌شکنی، به تازگی بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفته است (غفوریان نوروزی، اصغری ابراهیم آباد، عبدالخایی و کیمیایی، ۱۴۰۱).

یکی از منظرهای مورد توجه در حوزه معنویت‌گرایی، تلقی معنویت به عنوان باورهای مذهبی متکی بر ارتباط با خداوند متعال و دریافت حمایت از این منع لایزال است (نجف نجفی، کارگزار، متقی و همکاران، ۱۴۰۹). در همین راستا زنان مواجه شده با پیمان‌شکنی همسر در بسیاری مواقع احساس نیاز جدی به بازسازی معنوی پیدا می‌کنند (غفوریان نوروزی و همکاران، ۱۴۰۱). در حمایت از ضرورت توجه به استفاده از درمان‌های معنوی و مذهبی برای مسائل مختلف خانوادگی از جمله پیمان-

می‌توانند مد نظر قرار گیرند، درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلبستگی^۱ و طرحواره درمانی معنویت محور^۲ است.

از آنجایی که درگیر شدن در روابط پیمان‌شکنانه و مواجهه با این پدیده به نوعی با مسائل حوزه دلبستگی و هیجان‌های مثبت و منفی مرتبط است (التینوک و کلیک، ۲۰۲۰؛ فرشچیان یزدی و همکاران، ۱۴۰۱؛ حقانی، عابدی، فتحی زاده و آقایی، ۱۳۹۸). درمان هیجان مدار بر باز تعریف، بازسازی و تنظیم و بیان هیجان‌ها به شیوه‌ای سازگارانه‌تر و درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلبستگی نیز بر تغییر رفتارهای دلبستگی به عنوان گرینه‌ای برای بهبود روابط مخدوش شده زوج‌ها، ایجاد بستر روابط مبتنی بر اعتماد و امنیت بیشتر و بر تنظیم تشنش و سازگاری بیشتر تمرکز دارد (وایی و جانسون^۳، ۱۴۰۶). مطالعات گذشته تاکنون اثربخشی درمان هیجان مدار بر سلامت روان و تاب آوری (برومندراد، ۱۳۹۹)، بر تنظیم هیجان (تنظیم هیجان در بروز افسردگی و نامیدی نقش جدی دارد، سفارلی، تکانو، بوهل و همکاران^۴، ۱۴۰۰؛ تیموری، مجتبایی و رضازاده، ۱۴۰۱) و بر احساس تنهایی در زنان مواجه شده با پیمان‌شکنی همسر (فاطمی اصل، گودرزی، کریمی ثانی و بوستانی پور، ۱۳۹۸) را مستند نموده‌اند.

در کنار درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلبستگی در حوزه پیمان‌شکنی همسر، طرحواره درمانی به عنوان درمانی دیگر، از طیف درمان‌هایی است که ریشه بسیاری از مشکلات روان‌شناختی انسان‌ها را وجود باورها، تعییرها

^۱- Emotion-Focused Therapy Based on Attachment Injuries (EFTBAI)

^۲- Spirituality Based Schema Therapy (SBST)

^۳- Altınok & Kılıç

^۴- Wiebe & Johnson

^۵- Stärlea, Takano, Buhl & et al

ورود به پژوهش، ۴۸ نفر (برای هر گروه ۱۶ نفر) به شیوه هدفمند مبتنی بر ملاک‌های ورود انتخاب شدند. حجم نمونه، براساس انحراف معیار متغیر امیدواری مبتنی بر یک مطالعه مقدماتی در پژوهش حاضر که برابر با ۶/۱۰ بدست آمد، با توجه به ریزش احتمالی از طریق فرمول نمونه مبتنی بر انحراف معیار متغیر وابسته برای هر گروه ۱۶ نفر برآورد گردید. پس از انتخاب، نمونه انتخاب شده به طور مساوی (هر گروه ۱۶ نفر) به صورت تصادفی (قرعه کشی) در سه گروه (دو گروه آزمایش و یک گروه کنترل) گمارده شدند. لازم به ذکر است که یک نفر از گروه درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی در فرایند مطالعه از پژوهش کناره‌گیری نمود؛ لذا تعداد نمونه در این گروه به ۱۵ نفر تقلیل یافت. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل: رضایت آگاهانه‌ی افراد مورد پژوهش و تمایل به مشارکت و ادامه آن، مؤنث بودن در رده سنی ۲۰ تا ۵۰ سال، گذشت حداقل ۳ سال از زندگی مشترک، عدم قرار داشتن تحت درمان‌های روانپزشکی و روانشناختی به طور هم‌زمان. ملاک‌های خروج نیز شامل: عدم رضایت و تمایل به مشارکت و یا ادامه مشارکت در پژوهش، غیبت دو جلسه متوالی یا غیر متوالی و عدم تمایل به ادامه زندگی مشترک (در شرف طلاق بودن و یا ترک نمودن زندگی مشترک) بودند.

روش اجرای مطالعه به این صورت بود که پس از گمارش تصادفی شرکت‌کنندگان در دو گروه درمانی و یک گروه کنترل، افراد گروه درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی، از طریق درمان استاندارد و اعتبار آزمایی شده توسط بروبچر^۱ ارائه شده و در ایران نیز اعتبارسنجی و مورد بررسی قرار گرفته است (دهقانی و

شکنی، غلامی و بشلیده (۱۳۹۰) در مطالعه فرا تحلیل خود درمان‌های معنوی و مذهبی را درمان‌های اثربخش بر سلامت خانواده و اعضای آن معرفی نمودند. غفوریان نوروزی و همکاران (۲۰۲۱) نیز در مطالعه کیفی خود نشان دادند که برای طراحی درمان مبتنی بر شواهد، توجه به طرح‌واره‌ها و بازسازی معنوی، امری ضروری در درمان یکپارچه افرادی است که با پیمان‌شکنی مواجه می‌شوند. با توجه به آنچه بیان شد و با توجه به تعداد اندک مطالعات انجام شده در حوزه طرح‌واره درمانی و معنویت درمانی با تمرکز بر متغیرهای وابسته امیدواری و سلامت روان زنان مواجه شده با پیمان‌شکنی همسر، پژوهش حاضر تلاشی در راستای پر نمودن خلاصه علمی و پژوهشی در حوزه مقایسه اثربخشی درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی با درمان ترکیبی طرح‌واره درمانی معنویت محور بر نامیدی و سلامت روان بوده است. بر همین مبنای، هدف مطالعه حاضر مقایسه اثربخشی درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی با طرح‌واره درمانی معنویت محور بر نامیدی و سلامت روان زنان مواجه شده با پیمان‌شکنی همسر بود.

روش

این مطالعه از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان آسیب‌دیده از پیمان‌شکنی همسر بوده که به فراغوان‌های نصب شده در مراکز مشاوره روانشناختی ساکن شهر بندرعباس، در بهار سال ۱۴۰۰ پاسخ داده و تماس گرفتند. تعداد آن‌ها در بازه زمانی پژوهش ۱۲۰ زن آسیب‌دیده از پیمان‌شکنی (عاطفی یا جنسی) همسر بودند. برای انتخاب نمونه پس از ارزیابی اولیه از طریق یک مصاحبه مقدماتی برای قطعیت وجود ملاک‌های

^۱- Brubacher

ضریب توافق کلی ۰/۸۹۹ برای بسته درمانی بدست آمد. پس از تائید تخصصی، طی یک مطالعه مقدماتی (پایلوت) اثربخشی مقدماتی بسته طراحی شده بر روی شش نفر از زنان آسیب دیده از پیمان شکنی همسر اجرا و اعتبار اولیه بسته تائید شد.

ملاحظات اخلاقی شامل: کسب کد اخلاق برای مطالعه از طرف کمیته اخلاق، رعایت رازداری کامل برای شرکت کنندگان، داشتن آزادی و اختیار کامل برای کناره گیری از پژوهش، اطلاع رسانی کامل در مورد پژوهش، کسب رضایتمنه کتبی و استفاده از داده ها فقط در راستای اهداف پژوهش بود. در راستای معیارهای اخلاقی توصیه شده، گروه کنترل (گواه) در پایان دوره اجرای پژوهش، به صورت آزادانه و به شکل فشرده تحت یکی از درمان های هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلبستگی و طرحواره درمانی معنویت محور قرار گرفتند. داده ها با استفاده از آزمون کای دو برای بررسی همسانی توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی همراه با میانگین و انحراف معیار و در نهایت پس از بررسی پیشفرض های آماری نرمالیتی از طریق آزمون شاپیرو- ولیک، برابری واریانس های خط از طریق آزمون لون و بررسی شبیه خطوط رگرسیون، از طریق تحلیل کوواریانس و آزمون تعییسی بونفرونی با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شد. در جدول ۱ و ۲، خلاصه جلسات دو درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلبستگی و درمان طرحواره درمانی معنویت محور تلفیقی ارائه شده است.

همکاران، ۲۰۱۹) و افراد گروه طرحواره درمانی معنویت محور نیز از طریق درمان طراحی و اعتبار سنجی شده برای مطالعه حاضر، هر یک طی ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه ای، تحت درمان قرار گرفتند. میزان ناامیدی و سلامت عمومی زنان آسیب دیده از پیمان شکنی همسر در هر سه گروه در زمان های پیش آزمون و پس آزمون اندازه گیری شد.

بسته طرحواره درمانی معنویت محور برای اولین بار در این مطالعه تدوین و پس از اعتبار سنجی اولیه محتوایی، علمی و تخصصی مورد استفاده قرار گرفته است. فرایند تدوین این بسته درمانی تلفیقی و نوین، به این صورت بود که ابتدا از طریق تحلیل مضمون متون حوزه طرحواره درمانی و معنویت درمانی از طریق تحلیل شبکه مضامین آتراید- استرلینگ (۲۰۰۱)، مضامین سازمان دهنده و پایه لازم برای بسته طرحواره درمانی معنویت محور، استخراج گردید. در این مرحله نسبت روایی محتوایی که از طریق سه کد گذار مستقل محاسبه گردید برابر با ۰/۹۹۹ بdst است. پس از آن، فنون درمانی ویژه هر یک از دو رویکرد طرحواره درمانی و معنویت درمانی از طریق تحلیل محتوای متعارف استخراج و سپس توسط یک پنل تخصصی مشکل از ۷ متخصص روانشناس و روان- درمانگر با بیش از ۱۰ سال سابقه آموزش و درمان، ترکیب فنون درمانی طرحواره و معنویت درمانی برای ۱۰ جلسه به ترتیب تعیین و بسته درمانی اولیه تدوین گردید. سپس بسته تدوین شده توسط شش داور متخصص حوزه روان درمانی بررسی و پس از اعمال اصلاحات داوران،

جدول ۱ جلسات درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلبستگی (دهقانی و همکاران، ۲۰۱۹)

جلسه	محتوای جلسه
اول	آشنایی، معرفی و بیان قوانین حاکم بر گروه و مفاهیم درمانی مطرح شده در دوره درمانی، برقراری اتحاد درمانی، ایجاد فضای امن برای مطرح شدن مشکلات فرد آسیب دیده از پیمان شکنی همسر، بررسی انگیزه درمان، اهداف درمانی و

چهارم	چگونگی اجرای درمان.
پنجم	کشف تعامل‌های مشکل دار، یافتن موانع دلستگی، ارزیابی رابطه و پیوند دلستگی زوج آسیب دیده، بررسی نقش هیجانات در تعاملات بین فردی، بازسازی تعاملات و افزایش انعطاف‌پذیری و مرور آسیب‌ها و تأثیرهای ناشی از پیمان‌شکنی زناشویی. روش کردن تجربه‌های بر جسته مربوط به دلستگی و پذیرش احساسات تصدیق نشده بنیادی از راه اعتباری‌بخشی با واگویش و انعکاس هیجان‌های ثانویه، گذار از هیجان‌های ثانویه برای دستیابی به هیجان‌های بنیادی اولیه.
ششم	دستیابی و کاوش هیجانات زیربنایی و ناشناخته، تمرکز بر هیجانات اولیه، ترس‌های دلستگی در ارتباط با همسر پیمان‌شکن و ابراز روش این ترس‌ها و رنجش‌های ناشی از آن و آشکار سازی هیجان‌های ثانویه‌ی دار ارتباط با آسیب ایجاد شده.
هفتم	ابراز هیجان‌ها، شناسایی بیشتر نیازهای دلستگی، پذیرش هیجان‌ها، عمق بخشنیدن به درگیری با تجربه هیجانی (گسترش و بازسازی تجربه هیجانی) و یکپارچه سازی این عناصر با تعاملات ارتباطی.
هشتم	نقش و جایگاه هر فرد در رابطه همسری و زوجی و تمرکز بر پذیرش تجربیات پیش آمد، بررسی راه‌های جدید تعامل با تجربیات، ردگیری هیجانات شناخته شده، بر جسته سازی و شرح مجدد نیازهای دلستگی.
نهم	بازسازی تعامل‌ها، تسهیل ابراز نیازها و خواسته‌ها به شیوه جدید، ایجاد ادراکات تازه از یکدیگر و خلق پیوند اینمن و ایجاد رویدادهای دلستگی مدار و آغاز چرخه جدید تعاملی.
دهم	بازسازی تعامل‌ها، تسهیل کشف راه حل‌های جدید برای مشکلات قدیمی، تعریف دوباره رابطه و ایجاد فضای امن در روابط زوجی.
یکم	تشیت و تقویت موضع تازه و چرخه‌های جدید تعاملی، درگیری صمیمانه با همسر پیمان‌شکن و پذیرش وضعیت‌های جدید تعاملی از طریق چرخه‌های تعاملی مثبت و جدید و مقایسه آن با چرخه ناکارآمد قبلی، پاسخگو بودن و درگیری هیجانی.
دو	تقویت تغییراتی که طی درمان صورت گرفته، شکل‌گیری رابطه براساس یک پیوند اینمن، ایجاد دلستگی اینمن، تشیت، یکپارچه‌سازی موقعیت‌های تعاملی جدید و خاتمه درمان.

جدول ۲ جلسات درمان طرحواره درمانی معنویت محور تلفیقی (قاسمی نژاد رایینی و همکاران، ۲۰۲۲)

جلسه	محتوای جلسه
اول	آشنایی، معرفی و بیان قوانین حاکم بر گروه و مفاهیم درمانی، سنجش مشکلات مراجع در قالب مدل طرحواره، سنجش سبک مقابله‌ای افراد در مقابل طرحواره، مفهوم معنویت و تأثیر آن در زندگی افراد و سنجش اعتقدات و باورهای معنوی و معنایی.
دوم	شناخت طرحواره‌های ناسازگار و ارتباط آن با مشکلات فعلی، شناخت هیجان‌های مرتبط با طرحواره‌ها و تأثیر آن بر نگرش افراد، شناخت ماهیت معنویت و تأثیر آن بر سلامتی و مقابله با مشکلات.
سوم	آزمون اعتبار طرحواره‌ها (فنون شناختی)، آموزش و شناخت خطاهای ذهنی، بررسی ذهنیت‌های طرحواره‌ای ناسازگار، فن باز تعریف شواهد تأیید کننده طرحواره، آموزش مهارت ذهنیت معنوی و معرفی نحوه برخورد افراد معنوی با مشکلات.
چهارم	ارزیابی مزایا و معایب سبک‌های مقابله‌ای هر طرحواره، درک ماهیت خود آسیب‌رسان آن‌ها، آموزش فنون شناختی جهت به چالش کشیدن طرحواره‌ها و شناخت الگوهای شناختی تکراری، معرفی انواع سبک‌های مقابله‌ای معنوی با رویدادهای تlux زندگی، فنون دعا و نیایش.
پنجم	آموزش خطاهای شناختی و بررسی علل تداوم طرحواره، آموزش راهبردهای شناختی تغییر طرحواره‌ها و مقابله با تداوم آن‌ها، بازسازی صدای ذهن، گفتگو بین جنبه طرحواره و جنبه سالم و تقویت مفهوم بزرگسال سالم، آموزش و شناخت انگیزش، معنا، هدف و نقش آن در برداشت از معنویت.
ششم	بررسی ریشه‌های تحول هیجانی طرحواره، کاربرد فنون تجربی نظری گفتگوی خیالی، تصویرسازی ذهنی با هدف آگاهی و باز پردازش مجدد هیجانات؛ و شناخت هیجانات از دیدگاه معنوی و طرحواره‌های هیجانی معنوی.
هفتم	آموزش الگو شکنی رفتاری، آشنایی و آموزش مؤلفه‌ی رفتاری مقابله‌ی معنوی و پیامدهای آن، فنون مقابله با خشم، تهیه

<p>فهرست رفتارهای خاص برای تغییر، آموزش مفهوم ایمان، توکل بر خدا و صبر، دعا و سپاسگزاری از خداوند.</p> <p>آموزش و شناخت مفهوم دلستگی و سبک‌های آن و ارتباط دلستگی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و ارتباط دلستگی و معنویت و تأثیر دلستگی معنوی بر ارتقاء مؤلفه‌های روانشناسی سلامت روان.</p> <p>آموزش تمرين اثرگذاری طرحواره‌ها بر روابط کارآمد، بازنگری مزایا و معایب ادامه روابط، راهکارهای غلبه بر موانع تغییر رفتار، فنون انگیزه آفرینی، آموزش روابط سالم و سازگارانه، آموزش تأثیرات معنویت در روابط بین فردی.</p> <p>مرور و جمع‌بندی فنون آموخته شده شامل مرور آموزش کارآمد مقابله با تنفس و ناکامی، آموزش و شناخت باورهای نجات بخش، فنون آرامش‌دهی بخشنده محور، قدردانی و شکرگزاری و اجرای پس آزمون توسط اعضای گروه.</p>	هشتم نهم دهم
---	---

اعتبارسنجی نموده است. روایی سازه نسخه ایرانی از طریق تحلیل عامل اکتشافی و روایی هم‌زمان آن نیز از طریق بررسی همبستگی بین امتیازات نامیدی با امتیازات افسردگی ($P < 0.001$ و 0.057) مستند شده است. پایایی بازآزمایی مقیاس در ایران برابر با 0.71 و آلفای کرونباخ آن برابر با 0.79 ، گزارش شده است (گودرزی، ۱۳۸۱). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برابر با 0.86 بدست آمد.

پرسشنامه سلامت عمومی^۲ (GHQ): برای سنجش سلامت روان، از پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ و هیلیر^۳ (۱۹۷۹)، با ۲۸ سؤال و پوشش دهنده چهار حوزه، شامل شکایات جسمانی، اضطراب و بی‌خوابی، افسردگی و ناسایی عملکرد اجتماعی و هر یک با شش سؤال استفاده شد (گلدبرگ و هیلیر، ۱۹۷۹؛ هیل و همکاران، ۲۰۱۹). سوالات این پرسشنامه در قالب چهارگزینه‌ای، صفر=هرگز یا اصلاً، ۱=نه بیش از حد معمول، ۲=گاهی بیش از حد معمول و ۳=بیش از حد معمول امتیازدهی شده و امتیاز کلی سلامت روان در دامنه نوسان تا ۸۴ بدست می‌آید. در این پرسشنامه با توجه به محتوای سوالات مطرح شده، کاهش امتیازات به معنای افزایش سلامت روان است (هیل و همکاران، ۲۰۱۹). هیل و

ابزار
مقیاس نامیدی بک^۱ (BHS): جهت سنجش میزان نامیدی از مقیاس ۲۰ سؤالی نامیدی بک که توسط بک و همکاران در سال ۱۹۷۴ برای افراد ۱۷ تا ۸۰ ساله طراحی و ساخته شده، استفاده شد. این مقیاس سطح مأیوس بودن در دستیابی به خواسته‌ها، عدم اطمینان به آینده، بدینی، نامیدی نسبت به آینده و انتظارات منفی نسبت به آینده را سنجش می‌کند. فرد پاسخگو باید با خواندن هر آیتم پاسخ درست یا نادرست را ارائه دهد. در ۹ سؤال از ۲۰ سؤال پاسخ نادرست امتیاز ۱ و پاسخ درست امتیاز صفر و در ۱۱ سؤال نیز پاسخ درست امتیاز ۱ و پاسخ نادرست امتیاز صفر دریافت می‌کند. در نهایت نمره کسب شده در این مقیاس بین ۰ تا ۲۰ و نمره بالاتر نشانه نامیدی بیشتر است (بک و همکاران، ۱۹۷۴). بک و همکاران (۱۹۷۴) روایی سازه این مقیاس را از طریق تحلیل عامل اکتشافی و روایی هم‌زمان این مقیاس را از طریق همبستگی نمرات مقیاس نامیدی با درجه‌بندی بالینی نامیدی (۰/۷۴) و با بررسی همبستگی بین امتیازات این مقیاس با مقیاس قصد خودکشی (۰/۶۲) مستند نمودند. آلفای کرونباخ مقیاس نیز برابر با 0.93 گزارش شده است (بک و همکاران، ۱۹۷۴). در ایران گودرزی (۱۳۸۱) نسخه‌ای از این پرسشنامه را بر روی دانشجویان

²- General Health Questionnaire (GHQ)

³- Goldberg & Hillier

⁴- Hjelle & et al

¹- Beck Hoplessness Scale

(٪/۵۰)، دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس (٪/۴۳/۷۵) و سالهای گذشته از ازدواج ۶ تا ۱۵ سال و ۱۶ سال و بالاتر (هر یک به ترتیب ٪/۴۳/۷۵)، در گروه درمان هیجان مدار مبتنی بر جراحات دلستگی به ترتیب اکثریت شرکت کنندگان در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال (٪/۴۶/۶۶)، دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس (٪/۶۰) و سالهای گذشته از ازدواج ۶ تا ۱۵ سال (٪/۴۰) و در نهایت در گروه کنترل نیز به ترتیب اکثریت شرکت کنندگان در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال (٪/۵۰)، دارای تحصیلات تا دیپلم (٪/۵۰) و سالهای گذشته از ازدواج ۶ تا ۱۵ سال و ۱۶ سال و بالاتر (هر یک به ترتیب ٪/۴۳/۷۵) قرار داشتند. آزمون خی دو حاکی از عدم تفاوت توزیع فراوانی سه گروه با یکدیگر در سه متغیر سن، تحصیلات و سالهای گذشته از ازدواج بود. جدول ۳ به ارائه میانگین و انحراف معیار امیدواری و سلامت عمومی در دو مرحله زمانی به تفکیک سه گروه پرداخته است.

همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه خود از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و سپس تحلیل عامل تأییدی، روایی سازه این پرسشنامه را مستند نموده و آلفای کرونباخ پرسشنامه نیز در دامنه ۰/۷۱۹ تا ۰/۸۸۱ گزارش شده است. ملکوتی و همکاران (۱۳۸۵) نسخه‌ای از این پرسشنامه را در ایران اعتبارسنجی نموده و از طریق تحلیل عاملی اکتشافی روایی سازه عاملی و از طریق بررسی تفاوت بین افراد سالم و افراد دارای اختلال روانپزشکی روایی ملاکی (تشخیصی) این پرسشنامه را مستند نموده‌اند. آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه در جمعیت ایرانی برابر با ۰/۹۴، پایایی تصنیف (دونیمه کردن) برابر با ۰/۸۶ و پایایی بازآزمایی برابر با ۰/۰۰۱ (p < ۰/۰۰۱) گزارش شده است (ملکوتی و همکاران، ۱۳۸۵). در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۸۹ بود.

یافته‌ها

در گروه طرحواره درمانی معنیت محور به ترتیب اکثریت شرکت کنندگان در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال

جدول ۳ میانگین و انحراف معیار نامیدی و سلامت روان در سه گروه پژوهش در دو مرحله زمانی

متغیر	زمان	گروه کنترل	گروه درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی	نامیدی		
				میانگین	انحراف معیار	پیش آزمون
سلامت عمومی	پیش آزمون	۱/۰۷	۱۴/۷۵	۱/۰۶	۱۳/۱۷	۱/۰۵
سلامت عمومی	پس آزمون	۴/۷۷	۱۴/۱۳	۳/۱۹	۱۰/۶۱	۳/۶۹
سلامت عمومی	پیش آزمون	۳/۱۰	۳۱/۴۴	۲/۱۴	۳۷/۵۳	۳/۳۰
سلامت عمومی	پس آزمون	۱۰/۴۴	۲۵/۲۵	۸/۲۱	۳۲/۸۷	۱۰/۵۰

پس آزمون نامیدی و سلامت روان تغییرات افزایشی بیشتری را نشان داده‌اند. پیش از اجرای تحلیل کواریانس، پیش‌فرض‌های آماری این تحلیل بررسی شد. نتایج

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، دو گروه درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی و طرحواره درمانی معنیت محور تلفیقی نسبت به گروه کنترل در

پیش آزمون نیز برای نامیدی ($P=0/25$) و سلامت عمومی ($P=0/31$) حاکی از برابری شیب خطوط رگرسیون بود. در جدول ۴، به بررسی اثرات دو درمان بر دو متغیر آزموداری و سلامت روان پرداخته شده است.

آزمون شاپیرو ویلک در نامیدی ($P=0/06$) و سلامت روان ($P=0/09$) حاکی از نرمال بودن توزیع این دو متغیر و نتایج آزمون لون نیز حاکی از برابری واریانس گروه‌های سه‌گانه مطالعه در متغیر نامیدی ($P=0/30$) و سلامت روان ($P=0/78$) بود. بررسی تعامل عضویت گروهی با

جدول ۴ نتایج تحلیل کوواریانس برای نامیدی و سلامت روان

نامیدی										متغیر و منبع اثر
	توان آزمون	مجذور سهمی آتا	سطح معناداری	F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	آزموداری	سلامت روان	پیش آزمون
نامیدی										
۱	۰/۴۴	۰/۰۰۱	۳۴/۲۲	۳۰۵/۳۷	۱	۳۰۵/۳۷	پیش آزمون			
۰/۷۴	۰/۱۷	۰/۰۱۷	۴/۴۹	۴۰/۰۵	۲	۸۰/۱۱	عضویت گروه			
-	-	-	-	۸/۹۲	۴۳	۳۸۳/۷۵	خطا			
-	-	-	-	-	۴۶	۸۰۹/۳۲	کل			
سلامت روان										
۱	۰/۴۸	۰/۰۰۱	۴۰/۴۹	۱۹۳۰/۲۶	۱	۱۹۳۰/۲۶	پیش آزمون			
۰/۸۵	۰/۲۲	۰/۰۰۵	۵/۹۴	۲۸۳/۰۱	۲	۵۶۶/۰۲	عضویت گروه			
-	-	-	-	۴۷/۶۸	۴۳	۲۰۵۰/۰۸	خطا			
-	-	-	-	-	۴۶	۵۰۱۸/۴۸	کل			

همانطور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود در متغیر نامیدی پس از کنترل پیش آزمون، عامل عضویت گروه ($P=0/017$ و $F=4/59$) معنادار است. این نتیجه $df=2$ و $P=0/005$ معنادار است. آن است که حداقل بین یکی از گروه‌های آزمایش (دو گروه درمانی) و گروه کنترل در سلامت روان تفاوت معناداری وجود دارد. در جدول ۵ به مقایسه دو به دو گروه‌های پژوهش از طریق آزمون تعییبی بونفرونی پرداخته شده است.

همانطور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود در متغیر نامیدی پس از کنترل پیش آزمون، عامل عضویت گروه ($P=0/017$ و $F=4/59$) معنادار است. این نتیجه $df=2$ و $P=0/005$ معنادار است که حداقل بین یکی از گروه‌های آزمایش (دو گروه درمانی) و گروه کنترل در نامیدی تفاوت معناداری وجود دارد. در متغیر سلامت روان نیز پس از کنترل پیش آزمون، عامل عضویت گروه ($F=5/94$)

جدول ۵ نتایج آزمون تعییبی بونفرونی برای مقایسه گروه‌ها در نامیدی و سلامت روان در پس آزمون

نامیدی						متغیر
گروه مبنای	گروه مورد مقایسه	میانگین‌ها	استاندارد میانگین	استاندارد معناداری	تفاوت سطح	
نامیدی	گروه کنترل	هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی	-۳/۲۱	-۰/۰۱۴	۱/۰۷	۰/۰۱۴
	گروه کنترل	طرحواره درمانی معنویت محور تلفیقی	-۱/۸۶	-۰/۲۸	۱/۰۸	۰/۲۸
	هیجان مدار مبتنی	طرحواره درمانی معنویت محور تلفیقی	۱/۳۵	۰/۶۶	۱/۰۸	۰/۶۶

سلامت روان					
بر آسیب دلستگی			هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی		
۰/۲۵	۲/۴۸	۴/۴۰	هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی	گروه کنترل	هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی
۰/۰۰۴	۲/۴۷	۸/۵۲	طروحاره درمانی معنویت محور تلفیقی	گروه کنترل	طروحاره درمانی معنویت محور تلفیقی
۰/۳۴	۲/۵۴	۴/۱۲	طروحاره درمانی معنویت محور تلفیقی	هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی	بر آسیب دلستگی

دلستگی بر افزایش امیدواری، می‌توان بیان داشت که فرایند درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی، بر ترمیم و بازسازی روابط عاطفی و هیجانی بالاخص در میان زنانی که با پیمان‌شکنی همسر مواجه شده‌اند، تمرکز دارد. ترمیم و بازسازی روابط از طریق ارتقاء سطح در دسترس بودن و رفتار مسئولیت شناسانه در بین زوجین محقق می‌شود (اکبری و همکاران، ۱۴۰۰). از آنجایی که بسیاری از زنان مواجه شده با پیمان‌شکنی همسر از جراحات دلستگی رنج می‌برند (سفرالی و همکاران، ۲۰۲۱) ورود به مسیر ترمیم روابط هیجانی و مستولانه، بخشی از نامیدی آن‌ها را از طریق بازسازی و بهبود روابط کاهش داده و از این طریق احساس امیدواری را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر در درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی، به‌طور جدی بر مسیر تسهیل و کشف راه حل‌های جدید برای مشکلات قدیمی، تعریف دوباره رابطه و ایجاد فضای امن در روابط زوجی در کنار مسیرهای ارتباطی زوجی هیجان محور و مثبت دیگر، فعالیت درمانی انجام می‌شود (اکبری و همکاران، ۱۴۰۰). به عنوان مصداقی از این تمرکز درمانی، درک و همراهی مبتنی بر همدلی، پاسخ‌های انگیزشی در رابطه و تلاش همدلانه معطوف به کشف و بیان نیازها و هیجان‌های دلستگی از زمرة تلاش‌های درمانی جدی در درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی هستند (هادی و همکاران، ۱۳۹۵). تقویت روابط مثبت مبتنی بر نیازهای

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود در متغیر نامیدی فقط درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی با گروه کنترل دارای تفاوت معنادار است ($P=0/014$) و در مقابل در سلامت روان نیز فقط طرحاره درمانی معنویت محور با گروه کنترل دارای تفاوت معناداری هستند ($P=0/004$).

بحث

این پژوهش با هدف مقایسه اثربخشی درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی و طرحاره درمانی معنویت محور بر نامیدی و سلامت روان زنان آسیب دیده از پیمان‌شکنی همسر انجام شد. نتایج در متغیر امیدواری نشان داد فقط گروه درمان هیجان‌مدار مبتنی بر آسیب دلستگی با گروه کنترل دارای تفاوت است، در عین حال بین اثربخشی دو درمان و بین گروه طرحاره درمانی معنویت محور با گروه کنترل تفاوتی مشاهده نشد.

نتایج مطالعه حاضر در خصوص اثربخشی درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی با نتایج مطالعه برومدراد (۱۳۹۹) درباره اثربخشی درمان هیجان مدار بر سلامت روان و تاب‌آوری، با نتایج مطالعه تیموری و همکاران (۱۴۰۰) در باب اثربخشی درمان هیجان مدار بر تنظیم هیجان و با نتایج مطالعه فاطمی اصل و همکاران (۱۳۹۸) در باب اثربخشی درمان هیجان مدار بر احساس تنها‌ی زنان مواجه شده با پیمان‌شکنی همسر همسوی دارد. در تبیین اثربخشی درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب

آسیب‌زا، که اغلب فرد را در حالتی از نامیدی و افسردگی قرار می‌دهد، به تدریج نظام شناختی تسهیل کننده نامیدی و درماندگی را تضعیف و در سطح شناختی و عاطفی فرد را از طریق نظام تفسیری و طرحواره‌ای سازنده و کارآمدتر، به شرایط خود و زندگی امیدوارتر می‌کند.

از طرف دیگر طرحواره‌ها و ذهنیت‌های طرحواره‌ای معیوب که اغلب موجب رویآوری و استفاده از شیوه‌های مقابله ناکارآمد و هیجانی می‌شوند (التینوک و کلیک، ۲۰۲۰؛ واپی و جانسون، ۲۰۱۶)، با اصلاح و جایگزینی تدریجی با طرحواره‌های سازگارتر و کارآمدتر، در کنار آموزش مقابله کارآمد با طرحواره‌ای معیوب، سبک مقابله شناختی و رفتاری فرد را به سمت سبک مقابله کارآمدتر سوق داده و از این طریق نیز نظام رفتاری و شناختی تسهیل کننده سلامت روان را بهبود می‌بخشد. در بعد معنویت درمانی ترکیب شده با طرحواره درمانی نیز، هم‌زمان با نقشی که بازسازی نظام باورها و ذهنیت‌های طرحواره‌ای بر افزایش سلامت روان دارد، طرحواره درمانی معنویت محور قادر است تا چرخه معیوبی که اغلب بین احساس نامیدی، درماندگی و بی‌پناهی و تحقیر با طرحواره‌های ناسازگاری معیوب ماند حس قربانی شدن و درماندگی و تسلیم سرنوشت بودن ایجاد می‌شود را تضعیف نماید. در چنین شرایطی فرد با تمرکز بیشتر بر نیروی درونی خود همراه با رویآوری روانی و معنوی به دریافت حمایت از خداوند متعال، احساس حمایت درونی و معنوی را در خود تقویت نموده و به این ترتیب احساس نامیدی، درماندگی و بی‌پناهی تضعیف و در مقابل احساس سلامت روان را تقویت می‌کند.

دلیستگی زمینه‌ساز ترمیم روابط آسیب دیده از پیمان-شکنی و در نهایت افزایش امیدواری است.

در بخش دیگری از نتایج مشخص گردید که فقط طرحواره درمانی با گروه کنترل در ارتقاء سلامت روان اثربخش است. نتایج حاصل از این بخش از پژوهش در حوزه اثربخشی طرحواره درمانی معنویت محور تلفیقی بر افزایش سلامت روان زنان مواجه شده با پیمان‌شکنی همسر، با نتایج مطالعه اکبری و همکاران (۱۴۰۰) درباره اثربخشی طرحواره درمانی بر افزایش سلامت عمومی زوج‌های درگیر با روابط و مسائل فرا زناشویی و پیمان‌شکنی، با نتایج مطالعه گوردون و همکاران (۲۰۰۴) در خصوص اثربخشی بازسازی شناختی باورها، تعاییر و شناخت‌های معیوب و ناکارآمد بر افزایش سطح سلامت روان نظری کاهش علائم افسردگی، علائم استرس پس از سانجه و پریشانی زناشویی اثربخش و با نتایج مطالعه غلامی و بشلیده (۱۳۹۰) در باب اثربخشی درمان‌های معنوی و مذهبی بر سلامت خانواده و اعضای آن، همسویی نسبی نشان می‌دهد. در تبیین اثربخشی طرحواره درمانی معنویت محور بر افزایش سلامت روان زنان آسیب دیده از پیمان‌شکنی همسر می‌توان گفت طرحواره درمانی با تمرکزی که بر نقش نظام باورها و تفسیر و تعییرهای معیوب معطوف به طرحواره‌های ناسازگار اولیه در ایجاد آسیب‌ها و مسائل روانی همراه با نیازهای هیجانی و عاطفی برآورده نشده دارد، بستر جرح و تعدیل نوع باور، تفسیر معیوب و آسیب‌زا افراد را از خود و واقعی دنیای اطراف از طریق فنونی نظری فنون شناختی که طرحواره‌ها و الگوهای شناختی تکراری را به چالش می‌کشد فراهم می‌سازد (حقانی و همکاران، ۱۳۹۸). به چالش کشیدن طرحواره‌ها و ذهنیت‌های طرحواره‌ای

نتایج مطالعه، پیشنهاد می شود که درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی و طرحواره درمانی معنیوت محور توسط درمانگران مرکز درمان روانشناختی، به عنوان درمان یاری رسان به زنان آسیب دیده از پیمانشکنی همسر مورد توجه و استفاده قرار گیرند. در این مطالعه محدودیت هایی شامل: تمرکز مطالعه بر زنان و نه مردان و استفاده از پرسشنامه برای سنجش متغیرهای وابسته وجود داشته که لازم است به آن توجه شود. در همین راستا لازم است تا پژوهشگران در مطالعات آینده طرحواره درمانی معنیوت محور و درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی را برای مردان مواجه شده با پیمانشکنی همسر، را در کنار سنجش های عمیق تر از طریق روش هایی نظری مصاحبه مدد نظر قرار دهند.

سپاسگزاری

این پژوهش بخشی از رساله دکترای روانشناسی در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان) به شماره ۱۷۵۴۸۴۷۲۳۴۰۸۳۶۳۱۳۹۸۱۶۲۲۹۱۱۱۸ و بدون دریافت هیچگونه کمک مالی از مؤسسه یا سازمانی خاص انجام شد. علاوه بر تأییدیه کمیته تخصصی پژوهش های علمی، پژوهش حاضر دارای کد اخلاق به شماره IR.IAU.KHUISF.REC.1399.114 نیز می باشد. بدینوسیله از کلیه زنان آسیب دیده از پیمانشکنی شرکت کننده در پژوهش صمیمانه تشکر و قدردانی می نماییم.

References

- Akbari M, Shokhmgar Z, Sanagoo A, Nasiri A, Ahange A, Khaleghi H, Mohammad pour M, Karami A. (2021). Comparison of the Effectiveness of Schema Therapy and

از طرف دیگر نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که علی رغم این که طرحواره درمانی معنیوت محور با گروه کنترل در امیدواری دارای تفاوت نبود و در مقابل در سلامت روان نیز درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی با گروه کنترل دارای تفاوت معنادار نبود، در عین حال بین دو درمان هم در تأثیر بر امیدواری و هم در تأثیر بر سلامت روان تفاوتی بدست نیامد این امر نشان از اثربخشی یکسان درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی و طرحواره درمانی معنیوت محور بر ارتقاء امیدواری و سلامت روان دارد. این اثربخشی یکسان گویای آن است که طرحواره درمانی معنیوت محور و درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی هر دو توانسته اند آثار یکسانی را در ایجاد امیدواری و سلامت روان زنان آسیب دیده از پیمانشکنی به بار آورند. این اثربخشی یکسان به این واقعیت باز می گردد که چه از مسیر اصلاح طرحواره ها و ذهنیت های ناسازگار و ناکارآمد در کنار ایجاد اتکا درونی و معنوی به نیروی خود و حمایت معنوی نیرویی متعالی نظیر خداوند متعال که در طرحواره درمانی معنیوت محور با اهمیت بوده و چه از طریق ترمیم روابط و ایجاد روابط هم‌دلانه و مبتنی بر اعتماد ترمیم شده در درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی، می توان به زنان آسیب دیده از پیمانشکنی همسر کمک نمود تا نالمیدی خود را کاهش و در مقابل سطح سلامت روان خود را افزایش دهند.

نتیجه گیری

نتایج مطالعه نشان داد که درمان هیجان مدار مبتنی بر آسیب دلستگی بر ارتقاء امیدواری و طرحواره درمانی معنیوت محور درمانی مؤثر بر ارتقاء سلامت روان در زنان مواجه شده با پیمانشکنی همسر هستند. در راستای

- Cognitive Behavioral Therapy on Communication Skills and Problem Solving and Mental Health in Couples with Extramarital Experience. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 9(1), 1-10. (In Persian)
- Altinok A, Kilic N. (2020). Exploring the associations between narcissism, intentions towards infidelity, and relationship satisfaction: attachment styles as a moderator. *Plos One*, 15(11), e0242277. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0242277>
- Atapour N, Ahmadi K, Falsafinejad MR, Khodabakhsh Kolaei A. (2019). Risk Factors for Breach of Contract in Couples with Marital Infidelity. *Islamic Life Style Centered on Health*, 4(3), 31-40. (In Persian)
- Attride-Stirling J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405. <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>
- Beck AT, Weissman A, Lester D, Trexler L. (1974). The measurement of pessimism: the lack of hope scale. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 42(6), 861-865.
- Bedaso A, Adams J, Peng W, Sibbritt D. (2021). The relationship between social support and mental health problems during pregnancy: a systematic review and meta-analysis. *Reproductive Health*, 18(1), 1-23.
- Boroumandrad SM. (2020). The Effectiveness of Emotion-Focused Therapy on Promoting Mental Health and Resilience of Women Affected by Infidelity. *Scientific Journal of Social Psychology*, 8(56), 111-122. (In Persian)
- Dehghani M, Aslani K, Amanelahi A, Rajabi G. (2019). The Effectiveness of Emotionally Focused Couple Therapy Based on Attachment Injury Resolution Model on Forgiveness among the Injured Women with Marital Infidelity. *Family Counseling and Psychotherapy*, 9(1), 143-160. (In Persian)
- Farshchiyan Yazdi M, Bagherzadeh Golmakani Z, Mansouri A. (2021). Comparison of the Effectiveness of Emotionally Focused Therapy and Self-Compassion Skills Training on Differentiation of Self and Sexual Intimacy of Women Affected by Marital Infidelity. *Razavi International Journal of Medicine*, 9(3), 34-43.
- Fatemi Asl S, Goudarzi M, Karimi Sani P, Boostanipour A. (2019). The Effect of Emotionally-Focused Couple Therapy (EFCT) on Loneliness of Hurt Women from Infidelity in Salmas City. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 20(2), 48-57. (In Persian)
- Ghafoorian Noroozi PG, Asghari Ebrahimabad MJ, Abdekhodaei MS, Kimiae SA. (2021). Identifying Common Elements of Evidence-Based Psychological Treatments for Females with Extramarital Experience. *International Journal of Applied Behavioral Sciences*, 8(2), 13-24.
- Gholami A, Beshldeh K. (2012). The Effect of Spiritual Therapy on Mental Health of Divorced Women. *Family Counseling and Psychotherapy*, 1(3), 331-348. (In Persian)
- Godarzi MA. (2002). The study of validity and reliability of Becks' hopelessness scale among the students of Shiraz university. *Humanity and Social Science Journal of Shiraz University*, 18(2), 26-39. (In Persian)
- Goldberg DP, Hillier VF. (1979). A scaled version of the General Health Questionnaire. *Psychological Medicine*, 9(1), 139-145.
- Guerrero S, Castro-Luna G, Zapata Boluda R, Freites A, Garcia R, Parron-Carreno T. (2021). Incidence and Related Factors of Infidelity among Medical Doctors and Nurses. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(11), 55-75.
- Hadi S, Eskandari H, Sohrabi F, Motamedi A, Farrokhi Noor A. (2017). Structural Models Predict Marital Commitment Based on Attachment Styles and Mediator Variables Self-Control and Early Maladaptive Schemas (in People with Emotional Extramarital Relations). *Counseling Culture and Psychotherapy*, 7(28), 33-60. (In Persian)
- Haghani M, Abedi A, Fatehizade M, Aghaei A. (2019). A Comparison of the Effectiveness of

- Combined Systemic Couple Therapy (Bowen) and Emotion-focused Therapy (Johnson) Packages and Integrated Couple Therapy on the Quality of Marital Life of Couples Affected by Infidelity. *Sadra Medical Journal*, 8(1), 11-28. (In Persian)
- Hjelle EG, Bragstad LK, Zucknick M, Kirkevold M, Thommessen B, Sveen U. (2019). The General Health Questionnaire-28 (GHQ-28) as an outcome measurement in a randomized controlled trial in a Norwegian stroke population. *BMC Psychology*, 7(1), 1-11.
- Kamalian T, Mirzahosseini H, Monirpoor N. (2021). The Effects of Emotional Schema Therapy and Differentiation on Emotional Divorce among Women. *Journal of Client-centered Nursing Care*, 7(1), 65-74.
- Khorramabadi R, Sepehri Shamloo Z, Salehi Fadardi J, Bigdeli I. (2019). Prediction of Extramarital Relationships Based on Executive Functions with the Mediatory Role of Marital Commitment. *Practice in Clinical Psychology*, 7(2), 147-157. (In Persian)
- Lişman CG, Holman AC. (2021). Cheating under the circumstances in marital relationships: the development and examination of the propensity towards infidelity scale. *Social Sciences*, 10(10), 392.
- Ma SW, Lai S, Yang YY, Zhou Z, Yang BT, Zheng GZY, Gao J, Lu L. (2021). Relationships between anxiety symptoms, hopelessness and suicidal ideation among parental caregivers of mandarin-speaking children with speech impairment: the mediating effect of depressive symptoms. *Frontiers in Psychiatry*, 12, 498.
- Malekooti SK, Mirabzadeh A, Fathollahi P, Salavati M, Kahali S, Afkham Ebrahimi A, Zandi T. (2006). Reliability, Validity and Factor Structure of the GHQ-28 in Iranian Elderly. *Iranian Journal of Ageing*, 1(1), 11-21. (In Persian)
- Najaf Najafi M, Kargozar E, Mottagh M, Dehghani N, Razmjouei P, Hoseini ZS & et al. (2019). The Effect of Religious Beliefs and Spirituality Training on Family Health: A Systematic Review and Meta-Analysis. *International Journal of Pediatrics*, 7(12), 10621-10633. doi: 10.22038/ijp.2019.42856.3589
- Oden TN, Cam R. (2021). The relationship between hopelessness and perceived social support levels of parents with children with congenital heart disease. *Medical Science and Discovery*, 8(11), 655-661.
- Samadi Kashan S, Pourghnad M, Zamani MS. (2019). Marital infidelity: Exploring Views, Factors and Consequences. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal*, 8(4), 165-176.
- Sanchez L, Whisman MA, Hughes JA, Gordon KC. (2021). Diversity in the prevalence and correlates of extramarital sex in a probability sample of Latino adults. *Journal of Family Psychology*, Advance online publication. <https://doi.org/10.1037/fam0000942>
- Sfärlea A, Takano K, Buhl C, Loehner J, Greimel E, Saleminck E, Schulte-Körne G, Platt B. (2021). Emotion regulation as a mediator in the relationship between cognitive biases and depressive symptoms in depressed, at-risk and healthy Children and adolescents. *Research on Child and Adolescent Psychopathology*, 49(10), 1345-1358.
- Shrout MR, Weigel DJ. (2018). Infidelity's aftermath: Appraisals, mental health, and health-compromising behaviors following a partner's infidelity. *Journal of Social and Personal Relationships*, 35(8), 1067-1091.
- Teymori Z, Mojtabaei M, Rezazadeh SMR. (2021). Comparison of the Effectiveness of Emotionally Focused Couple Therapy and Self-Compassion-Based Therapy on Emotion Regulation In Women Affected by Infidelity. *Journal of Guilan University of Medical Sciences*, 30(2), 130-143. (In Persian)
- Wiebe SA, Johnson SM. (2016). A review of the research in emotionally focused therapy for couples. *Family Process*, 55(3), 390-407.
- Zuo B, Yang K, Yao Y, Han S, Nie S, Wen F. (2021). The relationship of perceived social support to feelings of hopelessness under COVID-19 pandemic: the effects of epidemic risk and meaning in life. *Personality and Individual Differences*

Differences, 183, 111110.
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2021.111110>